

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد

محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

دعای هشتم (پناه بردن به خدا)

جلسه ۶۹

۱۳۹۵/۰۶/۲۹



■ عیدی متفاوت از همه عیدها

■ شرط دستیابی به حیات طیبه جمعی

■ علت عظمت غدیر

■ دو نسخه غدیر

ما هم کرم کنند و ما را هم  
بهره‌مند سازند.

امیدواریم از برکات این شب و  
روز بزرگ، همه‌ی دوستان امیر  
المؤمنین (علیه السلام) در سراسر عالم  
بهره‌مند باشند و انشاءالله نظام و  
رهبر عزیز و عالی‌قدر ما بهره‌ی  
وافر از برکات این شب و روز  
بسیار عزیز و بزرگ داشته باشند.

از نظر رتبه و مرتبت، هیچ عید  
دیگری به پای عید سعید غدیر  
نمی‌رسد. ما از معرفتش همچنان  
درمانده و با فاصله هستیم و هر  
سال هم این آرزو را می‌کنیم  
که شاید سال دیگری، قدر این  
شب و روز بزرگ بیشتر دانسته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمند

## عیدی متفاوت از همه عیدها

به همه‌ی برادران و خواهران،  
فرا رسیدن عید الله الاکبر، عید  
سعید غدیر را تبریک و تهنیت  
عرض می‌کنم. به اتفاق شما،  
این مناسبت فرخنده را به محضر  
مقدس امیر غدیر، حضرت  
بقیت الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه  
الشریف) تبریک عرض می‌کنیم. امید  
داریم که نظر لطف و عنایت  
ایشان شامل حال اهل جلسه‌ی  
ما باشد و از عیدی و هدایایی  
که در چنین مناسبتی به بهترین  
دوستانشان کرامت می‌کنند، به

شود و حال و هوای مراکز دینی و مساجد و خانواده‌ها و مراکز عمومی و جامعه‌ی ما با فضای عید سعید غدیر تناسبی پیدا کنند. اما حسرتش باز می‌ماند و امسال هم آنچه در جامعه‌ی ما دیده می‌شود، هیچ تناسبی با **عید الله الاکبر** ندارد. باید به سمتی برویم که فضا، احساس و فهم عمومی نسبت به این روز بزرگ و این حقیقت درخشان، خیلی بیشتر از اینها آشکار شود و به صحنه بیاید.

آنچه از سیره‌ی ائمه‌ی هدی برداشت می‌شود، این است که به ویژه در ارتباط با عید سعید غدیر، توقع آشکار شدن و ابراز

ارادت به حضرت علی (علیه السلام)، در لباس و برخورد و گفتگو و برنامه‌ها هست. مثلاً برای روز عید به تفصیل توصیه شده است؛ از تهنیت گفتن‌ها و اینکه وقتی مؤمنین به هم می‌رسند، به این کیفیت خاص به یکدیگر تبریک بگویند: «**الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَمَةِ الْمُعْصومِينَ**» تا ابراز نفرت از دشمنان امیر المؤمنین (علیه السلام) و تا لباس نو پوشیدن و هدیه دادن و اطعام و عقد اخوت و جمع شدن کنار هم و... تا برسد به دعا و عبادت و زیارت خود حضرت و روزه گرفتن و حالت شکر داشتن

و سایر چیزهایی که وارد شده است. ما هیچ مناسبتی در بین مناسبت‌های شاد نداریم که این قدر برای آن مطلب و آیین و راهنمایی داشته باشیم.

## شرط دستیابی به حیات طیبه

### جمعی

هستی را در بر می‌گیرد. اطلاعات ما درباره‌ی پهنه‌ی هستی خیلی اندک است و پهنه‌ی هستی خیلی فراخ‌تر از آن چیزی است که به خیال ما بیاید. همه‌ی اینها در حوزه‌ی اراده و برنامه‌ریزی و تدبیر حق قرار دارند؛ هم وجودشان، هم امتدادشان و هم جلوه‌های وجودی‌شان. همه بدون استثنا تحت ولایت تکوینی حضرت حق هستند؛ چراکه «اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ»؛ [۱] ولیّ فقط خداوند است.» این اولین گزاره است.

برای اینکه ما هم عرض ارادتی کرده باشیم، چند جمله درباره‌ی این مناسبت عرض کنم. البته نمی‌رسم که حق مطلب را ادا کنم و بیشتر طرح مسئله است؛ شاید در فرصت دیگری بتوانیم این مطلب را پرورش دهیم.

۲. گزاره‌ی دوم این است که در بین موجودات عالم، به طور مسلم، گروهی وجود دارند که

۱. ولایت تکوینی و مطلق خدای متعال، تمام موجودات و کرانه‌های

خدای تعالی این تشریف و جایگاه را به آنها داده که نسبت به ولایت الهی، در حوزه دیگری که همان ولایت تشریعی باشد، ابراز قبول یا اظهار رد کنند. این دیگر ربطی به حوزه ولایت تکوینی ندارد. آنجا «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» [۲] امروز مالکیت و پادشاهی از آن کیست؟! برای خدای یکتای قهار و قدرتمند است» و همه تسلیم محض و مطلق هستند. اما اینجا (در ولایت تشریعی)، خدای متعال از سر تشریف و زمینه‌سازی برای شکوفا شدن و رشد و تقرب، میدانی را فراهم کرده که به آنها اجازه رد و قبول

داده است. این البته توضیحات مفصلی دارد و عرایض ما خلاصه چند جلد کتاب است که به صورت گزاره‌وار، چند جمله را عرض می‌کنیم. در بین این موجودات، انسان، گل سرسبد است که این امکان توسط حضرت حق و صاحب ولایت مطلق به او داده شده که فرصت پذیرش یا رد داشته باشد؛ یعنی ولایت تشریعی و به تعبیری رضایت الهی را بتواند بپذیرد یا رد کند: «فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» [۳] هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کفر ورزد». هر که می‌خواهد بپذیرد و ایمان بیاورد

و هر کس هم می‌خواهد کافر شود و بگوید نمی‌شنوم و قبول نمی‌کنم و نمی‌پذیرم. که ظرفیت پذیرش ولایت الهی را داشته، محروم کرده است. این انسان وارد یک مرتبه‌ی دیگر حیات که اسمش حیات انسانی است، نشده و در حد بهیمیت است. البته یک تفاوت دارد و آن هم اینکه این انسان به خاطر عدم پذیرش ولایت الهی، از رتبه‌ی حیوانی پایین‌تر می‌رود و عوارضی دارد که بخشی در دنیا و بخش گسترده‌تری در آخرت به سر او می‌آید. این انتخاب خود او است و تحت ولایت شیطان یا ولایت طاغوت رفته و ولایت الهی را رد کرده است. عوارض

ولایت تشریحی، در حیات شخصی و فردی انسان‌ها و همچنین حیات جمعی آنان، گستره‌ی وسیعی را در بر می‌گیرد. اگر انسان‌ها ولایت الهی را که تحت کلمه‌ی دین قرار می‌گیرد، قبول نکنند و نپذیرند، حیات آنها در حد حیات حیوانی، البته به ضمیمه‌ی عوارض و خطرات این نپذیرفتن باقی می‌ماند و به اصطلاح، سطحی از مُردگی را دارد. این انسان زنده است و حیات نباتی و حیوانی و غریزی‌اش



دنیایی‌اش، زندگی او را پلید و خبیث می‌کند و به اصطلاح، حیات خبیثه خواهد داشت و در آخرت هم در تنگناهایی قرار می‌گیرد که با دست خودش به سر خود آورده است. اگر انسان ولایت الهی را رد کرد، عنوان عمومی کفر بر او صدق می‌کند و کافر می‌شود: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاوَهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ؛ [۴] و کسانی که کفر ورزیدند، اولیای آنها طاغوت است که آنها را از نور به سوی تاریکیها می‌برند». نور فطرت را هم به تدریج از دست می‌دهد و هر چه جلوتر می‌رود، این نور در او کاهش پیدا می‌کند. این همان حیات خبیثه است که عوارض و آثاری دارد و از نظر روانی، عقلی، شخصی و...، نکبت دارد و تاریکی روی تاریکی روی تاریکی است. اما اگر همین انسان، ولایت الهی را قبول کرد و ایمان آورد، علاوه بر ولایت تکوینی، در حوزه ولایت تشریحی هم خودش را زیر چتر خدا آورد و خودش را تسلیم دین خدا کرد و مسلم و مومن شد، مصداق این آیه می‌شود: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ؛ [۵] خدا، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند». این انسان تحت تربیت

ویژه‌ی خدای متعال و تحت اسم ولیّ قرار می‌گیرد که مراد هم ولایت خاص و تشریحی است. اگر «الله هُوَ الْوَلِيُّ» را ولایت رحمانیه نامگذاری کنیم، اسم این یکی می‌شود ولایت رحیمیه. خدای متعال دست این افراد را می‌گیرد و قدم به قدم، به سوی نور می‌برد و از ظلماتی که آنها را احاطه کرده، خارج می‌کند تا به مقام وصال و لقاء برسند و به معدن عظمت و نور مطلق ملحق شوند.

و تازه از اینجا (از لحظه‌ی ایمان آوردن) شروع می‌شود و این انسان در مراتب حیات می‌تواند تا آنجا برود که نمی‌توانید به آن فکر کنید. این حیات، به نص قرآن، حیات طیّبه نام دارد. فرمول حیات طیّبه در آیه ۹۷ سوره‌ی مبارکه‌ی نحل این است:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مومن باشد، به طور مسلم او را حیات پاکیزه‌ای می‌بخشیم». اگر کسی گفت خدایا می‌خواهم آن طور باشم که تو می‌پسندی و می‌خواهم

تحت ولایت خاص و رحیمی تو باشم، می شود مؤمن. خدای متعال می فرماید اگر کسی به ایمان و عمل صالح رسید، ما به او زندگی تازه ای افاضه می کنیم که اسمش حیات طیبه است.

شخص در جامعه ی کفرزده زندگی کند یا جامعه ی ایمانی. هر کس به این فرمول عمل کند، قطعاً وارد زندگی جدید می شود و ولادت جدید پیدا می کند.

دنیا ی او شیرین و گوارا و امن و روشن و لذیذ و دوست داشتنی و خواستنی می شود و از لحظه لحظه های خود برداشت می کند و شکوفنده و پیش رونده و رو به رشد و تعالی و نور است و در آخرت هم، خدا خودش می داند که چه خبر است.

در ارتباط با جامعه هم مسئله به همین کیفیت است. کلید بحث غدیر اینجا است. جامعه دارای اصالت، هویت و وجود مستقل از وجود آحاد انسانها است. اگر دوست داشتید در این زمینه بیشتر بدانید، به کتاب شریف جامعه و تاریخ علامه مطهری مراجعه کنید. جامعه دارای رشد

این موارد در ارتباط با شخص بود و تفاوتی نمی کند که این

و سقوط و اجل و کمال و... است و همه ی ویژگی های فردی در

جامعه نیز محقق می‌شود. ایمان و کفر جامعه به حکومت و حاکمیت جامعه برمی‌گردد؛ یعنی به همان سیستمی که جامعه با آن اداره می‌شود. اسمش را حکومت یا قدرت یا دولت بگذارید، تفاوتی نمی‌کند. اگر آن جایگاه به خدای متعال ایمان آورد، تحت ولایت الهی رفته و اگر کفر ورزید، تحت ولایت طاغوت و شیطان رفته است. به اینجا که برسیم، به غدیر می‌رسیم. اگر آن مقدمات در ذهنتان خوب شکل گرفته باشد، الان مثل یک نور وسط قلب شما می‌درخشد. در آیه ۲۴ سوره‌ی مبارکه‌ی انفال که نقشه‌ی حیات طیبه‌ی جمعی است، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

جامعه نیز محقق می‌شود. اگر جامعه ایمان بیاورد که با ایمان فرد متفاوت است، به حیات طیبه‌ی جمعی دست می‌یابد و اگر کفر بورزد، وارد ظلمات می‌شود. البته فهم این مطلب درباره‌ی فرد و ایمان فردی، آسان‌تر است. فرمان خدا توسط چه کسی ارائه و به‌روز می‌شود؟! توسط ولیّ خدا. اگر شما به فرمان خدا و ولیّ او سر سپردی، حیات طیبه پیدا می‌کنی. اما در مورد جامعه ایمان و کفر پیچیده است. ایمان و کفر جامعه چگونه است؟!»

أَمَّنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به چیزی میخوانند که شما را حیات میبخشد». در

باید ایمان جمعی بیاورید و وقتی خدا و رسول، شما را برای حیات دعوت می‌کنند، پاسخ بگویید. این همان حیات طیبه‌ی جمعی است که محصول ایمان اجتماعی و جمعی است.

سوره‌ی نحل، خطاب فردی بود، چه زن باشد و چه مرد؛ اما اینجا خطاب به جامعه و عموم مؤمنین است؛ یعنی ایمان فردی کفایت نمی‌کند و باید با هویت جمعی ایمان بیاورید. اگر آن ایمان جمعی را نداشته باشید، به حیات طیبه‌ی جمعی نمی‌رسید.

شاخص ایمان و کفر جامعه هم - همان‌طور که عرض کردیم - ایمان و کفر زمام جامعه و حکومت و سیاست جامعه است؛ یعنی همان‌جایی که تصمیم می‌گیرد و برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی می‌کند. اگر آن جایگاه ایمان آورد، جامعه از حیات طیبه بهره‌مند می‌شود و به تدریج از ظلمات به نور سفر

متعال فرستاده ایمان آورده‌اید،

## علت عظمت غدیر

می‌کند و چنانچه کفر بورزد، زیر ولایت طاغوت و شیطان می‌رود و مسیر معکوس را طی می‌کند. البته ممکن است در چنین جامعه‌ای انسان‌های مؤمنی زندگی کنند؛ اما این جامعه کافر است و فقط تعدادی در گوشه و کنار ایمان آورده‌اند. جالب است که حتی اگر اکثر جامعه مسلمان باشند، اما قلب مرکزی جامعه ملتزم به حکم الهی نباشد و قانونش مطابق قانون الهی نباشد و حاکمش طبق معیارهای الهی تعیین نشده باشد، این جامعه، کافر است و مجتمع مؤمنی نیست و تحت ولایت طاغوت است.

در غدیر چه اتفاق افتاد که این قدر این روز را بزرگ و مهم و حیاتی و جدی کرد؟! اگر می‌خواهید بفهمید باید کالبد اجتماعی و حیات و مرگ جامعه و تأثیر حیات اجتماعی بر حیات فردی و پیچیدگی سیستم‌های اجتماعی و مباحث تمدنی را درک کنید. باید صعود و سقوط تمدن‌ها را مطالعه کنید تا بدانید چرا غدیر این قدر مهم است.

حیات طیبه به معنای دقیق کلمه در گروی حاکمیت ولی خدا است که مصداق ویژه و شاخص آن عبارت از علی ابن ابیطالب و

ولایت علی ابن ابیطالب (علیه السلام) را از مردم حفظ می‌کند». همه‌ی است. در این صورت متوجه می‌شوید چرا در حجه‌الوداع به رسول خدا خطاب شد که اگر این را نگفتی، هیچ چیز را نگفته‌ای. یک پیام که معادل

کل پیام‌های ۲۳ سال بود؛ بلکه بالاتر از کل پیام‌های این دوره بود. بیان شد که اگر این را نگویی، آن پیام‌ها عقیم هستند و به مقصد نمی‌رسند.

شایطین و منافقین تلاش‌های فراوانی کردند و پیغمبر را تهدید جانی کردند تا این پیام را نگویند. اما خدا فرمود: «وَاللّٰهُ يَعْصِيْكَ مِنَ النَّاسِ» [۶] خدا تو را از مردم و منافقین و نیامده‌ها از راه برسند. پیام در یک شرایط خاص، با تمام جزئیات باید عرضه شود و وقتی عرضه شد، اعلام شود که: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ

کرده‌اند از شما در حالتی که  
 اختصاص داشته باشد به ایشان». از  
 فتنه‌ای بترسید که اگر آتشش  
 روشن شود، همه را می‌سوزاند.  
 این فتنه دقیقاً همان‌جایی است  
 که جامعه از صراط ولایت الهی  
 خارج می‌شود و به جای علی  
 دیگری بر مسند حکم می‌نشیند  
 که مصداق طاغوت است. اگر  
 این فتنه شکل گیرد، خشک  
 و تر را می‌سوزاند و سوزاند و  
 هنوز که هنوز است، می‌سوزاند.  
 استعدادها و عواطف و ایمان‌ها  
 را سوزانده و فطرت‌ها را تاریک  
 کرده است.

امام باقر و امام صادق (علیهما السلام)  
 فرمودند که در آن آیهی شریفه،

**أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا؛** [۷] امروز دین  
 شما را کامل کردم و نعمت خود  
 را بر شما تمام کردم و اسلام را  
 به عنوان دین شما راضی شدم».

اسلامی که در آن دستگاه تضمینی  
 اجتماعی وجود نداشته باشد،  
 مرضی حضرت حق نیست و  
 ناقص است. آنجا که گفت:  
**«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ**  
**مَوْلَاهُ»** این نقشه کامل شد و  
 در اختیار بشریت قرار گرفت. در  
 ادامه‌ی آن آیهی سوره‌ی مبارکه‌ی  
 انفال آمده است: **«وَ اتَّقُوا فِتْنَةً**  
**لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ**  
**خَاصَّةً؛** [۸] و بپرهیزید فتنه را که  
 نمی‌رسد به کسانی که ستم



«ما یحییکم» عبارت از ولایت علی ابن ابیطالب (علیه السلام) است. همه‌ی ائمه دنبال غدیر، فلسفه‌ی سیاسی اسلام و حکومت بودند. کتاب انسان ۲۵۰ ساله را بخوانید که به شما توضیح می‌دهد از روز اول آنها دنبال فتح قلب جامعه بودند تا کل جامعه به سعادت برسد.

سعادت کل بشریت است. از وقتی بشریت به خاطر پشت پا زدن به آن نعمت بزرگ، از امام محروم شدند و امام غایب شدند، نسخه‌ی سایه تقدیم بشریت شده است. این نسخه هم کپی همان اصل است، منتها برای عصری است که در آن، ولیّ کامل، غایب است.

### دو نسخه غدیر

ما امروز الحمدلله در زمانی زندگی می‌کنیم که به نسخه‌ی سایه عمل شده و انقلاب اسلامی ما، لیبک به پیام غدیر در عصر غیبت است و جامعه‌ای پیدا شد که گفت ما می‌خواهیم با حیثیت اجتماعی مان ایمان بیاوریم؛ لذا ولایت طاغوت را نفی می‌کند

غدیر دو نسخه دارد؛ یکی اصلی است و دیگری سایه. نسخه‌ی اصلی با علی ابن ابیطالب شکل می‌گیرد که نسخه‌ی خاتم آن در وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که تأمین‌کننده‌ی

و ولایت الهی را می‌پذیرد و بر همین اساس، قانون اساسی و حکومتی می‌نویسد که می‌شود ولایت فقیه.

و در جاهای دیگر باید بگویید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ

بِوَلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ». چراکه

ولایت آنها ولایت طاغوت است.

در جایی نظیر عراق و حتی با

حضور شیعه و عتبات، حکومت

مورد پسند امیر المؤمنین (علیه السلام)

هنوز شکل نگرفته و جمهوری

اسلامی ایران تک است و این

پرچم ولایت امیر المؤمنین (علیه

السلام) است که بر افراشته شده

است.

امیدواریم که نسخه‌ی جمهوری

اسلامی تکثیر شود و ان شاء الله

ولایت فقیه همان ولایت غدیر است؛ متنها نسخه‌ی غیر معصوم، یعنی نسخه سایه آن است. به

تعبیر رهبر عزیزمان، ولایت فقیه، سایه‌ی آن ولایت عظمی است.

امیدواریم که خدای متعال ما

را قدرشناس قرار دهد و مثل

جان شیرین از این هدیه‌ی

غدیر حفاظت کنیم. امروز با

کمال افتخار می‌توانیم بگوییم:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ

الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

و الْأئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ». این را

فقط می‌توانید در ایران بگویید

و در جاهای دیگر باید بگویید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ

بِوَلَايَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ». چراکه

ولایت آنها ولایت طاغوت است.

در جایی نظیر عراق و حتی با

حضور شیعه و عتبات، حکومت

مورد پسند امیر المؤمنین (علیه السلام)

هنوز شکل نگرفته و جمهوری

اسلامی ایران تک است و این

پرچم ولایت امیر المؤمنین (علیه

السلام) است که بر افراشته شده

است.

امیدواریم که نسخه‌ی جمهوری

اسلامی تکثیر شود و ان شاء الله

## منابع و مأخذ

- چنین خواهد شد. مردم ایران اکنون مخاطب این خطاب قرآنی هستند که: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» [۹] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر (او) خیانت نکنید و (نیز) در امانتهای خود خیانت نورزید». مراقب باشید در امانت خیانت نکنید و این امانت که بعد از قرن‌ها به شما رسیده بر همه‌ی شما مبارک باشد.
- [۱]. شوری: ۹.
- [۲]. غافر: ۱۶.
- [۳]. کهف: ۲۹.
- [۴]. بقره: ۲۵۷.
- [۵]. همان.
- [۶]. مائده: ۶۷.
- [۷]. همان: ۳.
- [۸]. انفال: ۲۵.
- [۹]. انفال: ۲۷.





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

بعد از نماز مغرب و عشاء

(۶ ماه دوم سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی **شهدای** هفتم تیر